

بازیابی  
ارزشها

جلد ۱-۲-۳



مهندس مهدی بازرگان

## فهرست

### جلد اول

- مقدمه ..... ۵-۱۴  
سیمای اسلام ..... ۱۵-۴۴  
التقاط ..... ۴۵-۵۸  
دین و آزادی ..... ۵۹-۸۸  
بیگانه‌پرستی ..... ۸۹-۱۱۵  
انقلاب و انقلابی ..... ۱۱۷-۱۶۰

### جلد دوم

- مقدمه ..... ۱۶۳-۱۶۵  
نهضت ضد ایران ..... ۱۶۷-۱۷۶  
انقلاب اسلامی و انقلاب مارکسیستی ..... ۱۷۷-۱۹۱  
بعثت و راههای ایمان ..... ۱۹۳-۲۱۱  
ترمز و تفضل ..... ۲۱۳-۲۲۵  
ایران و اسلام ..... ۲۲۷-۲۴۹  
تلافی ۲۵۰۰ ساله ..... ۲۵۱-۲۶۹  
انقلاب و انتظار ..... ۲۷۱-۲۹۲

### جلد سوم

- مقدمه ..... ۲۹۵-۲۹۸  
رسالت انبیاء و انقلاب ملتها ..... ۲۹۹-۳۳۳  
ابراهیم، امام و امت ..... ۳۳۵-۳۵۹  
آزادی، خواسته ابدی ..... ۳۶۱-۳۸۶  
چهارایسم ..... ۳۸۷-۴۴۹

## مقدمه

ربنا لا تزغ قلوبنا بعداذ هديتنا و هب لنا من لدنك رحمه

از مصیبت‌هایی که انسان دچار آن میشود، آنهم انسان نجات یافته، هدایت شده، انقلاب کرده، برگشت از حق بیاطل است و تعالیل مجدد بمراتب پستی که پشت سر گذاشته‌ایم. همه کس و هر جامعه‌ای در معرض چنین مرض هست. دعای فوق زبان حال "راسخون فی العلم" یا دانش‌پژوهان استوار شده، در علم و "اولوالالباب یا صاحبان خرد است که از خدا میخواهند دل‌های آنها را پس از راهنمایی و رهبری که نصیبتان کرده است متعایل یا متحرک بیاطل سازد و رحمت خدا را به آنها ارزانی بخشد.

این مطلب در ابتدای سوره آل عمران آمده است، آنجا که از فرستادن قرآن به امت تازه مسلمان (و شاید به همه مسلمانها) و از کسانی که در اثر بداندیشی و فتنه‌جویی متشابهات قرآن را تاویل و تحریف کرده بدنیال شبهه و فساد میروند، صحبت میشود و در برابر آنها راسخون در علم همه کتاب را از جانب خدا دانسته ایمان کامل میورزند و خردمندان متوجه و متذکر دقایق میشوند و بالاخره دعا و درخواست همه باید آیه فوق باشد.

انقلاب اسلامی ایران نیز که انشاءاله هدایتی و رحمتی از جانب پروردگار بوده است و با چنین قصد و هدف تلاشها و قبول شهادتها از افراد فراوانی در آن بعمل آمده نمیتواند در مرض همان مرض و آفت و محتاج همان دعا و هدایت نباشد.

اصولا "هر جاننداری از بدو ولادت، اگر دریاقت رشد و روزی از طبیعت مینماید در دام آکل و ماکولی نیز قرار دارد و انواع گزیندها او را تهدید مینماید. خصوصا "آدمیراد که هنوز با بدتیا نگذاشته و موجودیت نیافته یک مدعی ناپاک

و دشمن غدار چون شیطان، در سر راه و حیاتش کمین‌ها گسترده بوده است. ملت ما که بدنیال هفتاد و چند سال مقاومت و مبارزه از نهضت تنباکو تا مشروطیت و سپس ملی شدن نفت و نهضت مقاومت، جهش اسلامی عظیمی برهبری آیه‌الله خمینی در سال ۱۳۴۲ آغاز کرده بود در سال ۱۳۵۷ در یک جنبش همگانی انقلابی با واژگونی نظام شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله به درخشانترین پیروزی رسید. این انقلاب مانند پدیده‌های طبیعی رشته‌دار تاریخ حالت موجود زنده‌ای را دارد که در تحول و تبادل و درگیریهای دائمی است و با وجود رهبری معصم متوکل فاطع، دچار دو سرگردانی عمده و خطر ناسامانی و نابودی گردید. اولاً "طبقات مختلف مردم از سالخوردگان سابقه‌دار گرفته تا جوانان و عوام‌الناس و از روشنفکران تا مستضعفین، مشارکت طبیعی وسیع در آن داشته‌اند و در هیچ انقلابی اینچنین بعناصر متفرق غیرمستول و خودرو دخالت و تأیید داده نشده است. ثانیاً سرعت معجزآسای پیروزی و فقدان رهبری و انسجام در تدارک و راهنمایی آن مجال کافی به متولیان و گردانندگان برای تدوین و تجربه مرام و نظام نمیداده است. همه چیز یاببای عمل و ابتلا برحسب پیش‌آمدها، بسلیقه پیش‌آهنگان و بشیوه روحانیت که متولیان امر با همه سنت‌ها و سوابق مخصوص هستند درست شده و میشود. حتی اهداف و برنامه و خط مشی خود انقلاب ضمن پیشروی و قبل از استقرار، توسعه و تحول داشته و دارد. انقلاب ما رفته‌رفته از مرزهای ایران و از مبارزه با استبداد تجاوز کرده داعیه خدمت به اسلام و رسالت جهانی را پیش گرفته هدفهای ثانوی و از جهانی اصلی آن در افتادن با امپریالیسم امریکا و صدور انقلاب جهت نجات و برتری مستضعفان جهان گردید.

همانطور که در مقدمه کتاب بازگشت بقرآن آمده است انقلابهای دنیا که اعضا تشکیل‌دهنده و عوامل آنها خود انسانها هستند، شباهت زیاد بجریان سیل دارد که نوعی پدیده طبیعی و از سنتهای الهی در جهان بیجان است. بجای تهرآب مختصر دریا یک منظم یکباره کوهی از مواد و محصولات و از مصنوعات و موادی و اثاث، بصورت مخلوط در هم ریخته‌ای دشت و دره را

فرا میگیرد و با خروش سهمگین همه چیز و همه جا را می‌شوید، می‌فلطاند و میرد، بدون آنکه اجازه بگیرد و در حرکات و حملات حتی با نفس خود و با ساخته‌ها و آورده‌هایش در نیفتد. در انقلاب رعد آسای ما خیلی از سرمایه‌ها، اندوخته‌ها و ارزشها چه مادی و چه معنوی یا فرهنگی از جا کنده یا زیر پا گذاشته می‌شود. در این ملک قلم بطلان بر هر چه فضل و کمال و احسان یا ارزشهای گذشته است، آنجا که پای انتقام و پاکسازی و قضاوت‌های انقلابی در میان می‌آید کشیده می‌شود و همچنین تعهدات و حقوق مکتسبه یا علم و تخصص و حتی همکاری و سوابق در مبارزه با طاغوت بطاق نسیان زده می‌شود. در این سیلاب جای رفته‌ها خالی می‌ماند یا با آب آورده‌هایی پر می‌شود. اهداف انقلاب و از آنجمله اصول اسلام و ارزشهای اعلای انسانی و الهی دستخوش خروشندگی و اکندگی می‌گردد.

هر فردی از ما با مشارکت و مسئولیتی که در این طغیان دارد نمیتواند چون ناظر بیطرفی در کنار جریان بایستد. خصوصا "در انقلابی که گفتیم نشو و نمای طبیعی‌تر و تحول مردمی‌تر نسبت به انقلابهای سیاسی دیگر داشته تحمیلی یا تقلیدی نیز نبوده است که اهداف و خط‌مشی‌ها تنظیم شده از قبل باشد، بلکه قسمتی از حالات و حرکات از ناحیه اشخاص و گروههایی که داوطلبانه و معتقدانه (اگر نگوئیم خودسرانه و متعصبانه) بجمع می‌پیوسته و اختیار در دست می‌گرفته‌اند، وارد شده است. نه میتوان مهار امور را بدست اتفاق و تصادف سیرد که بنا به اصل کهولت (آنتروپی) جریان را حتما "به تنزل و توقف و مرگ خواهد کشاند و نه مصلحت است که طبایع طاغوتی و دل‌های شیطانی در لباس حق و خدمت وارد و حاکم گردند که در اینصورت سرازیر و فتنه یا تاویل و تخریب در خواهد آورد. پس مراقبت و مسئولیت از جانب اهل صلاح و صدق ضروری است و معیار و مفتاحش چیزی جز علم و عقل دانش-پژوهان استوار و خردمندان اولوالالباب در سایه، موهبت و هدایت الهی نمیتواند باشد.

اصلا " امتیاز آدمیزاد مکلف متکامل بر جهان بیجان و جانداران تحت فرمان، و اختلاف انقلاب اسلامی با طغیان سیلابی مسئله اختیار و کنترل کردن

جریان در جهت تعالی و تقرب میباشد.

متأسفانه گاهی اوقات رهبریهها برای توفیق بیشتر در کشاندن خلقها و سلطه بر دلها و فکرها تذکر خدائی لکن اتبعوا اهلهم من بعد ما جائگ من العلم انک اذا لمن الظالمین (۱) را فراموش کرده راه طبیعی انطباق با محیط و هم‌آهنگی با مرید یا تبادل و تفاهم را در پیش گرفته از اصلاح و استقامت، بنفع التقاط و موفقیت، خودداری مینمایند.

اگر انقلاب ما عنوان و ادعای ساده‌ای مثلاً "انقلاب دموکراتیک ایران یا انقلاب ملی، سوسیالیستی و غیره میداشت تکلیف ما ساده میبود. تنها در برابر کشور و ملتمان مسئولیت میداشتیم اما با قید مقدس اسلامی که ما بین انقلاب و ایران آمده است تکلیف ما و نسلهای آینده خیلی سنگین شده ترس از این است که با اصطلاح عامیانه ثواب نکرده کباب کرده باشیم. علاوه بر خلق ایران در برابر خالق جهان و آئین عزیزتر از جان خودمان مسئول شده کوچکترین خطا و اشتباه یا ظلم و انحراف و هرگونه شکست و اشکال که عمداً "یا سهواً" در این نظام از کسی یا کاری سر بزند پای اسلام نوشته شده آنچه بعنوان قانون و نظریه و عمل، اعلام یا اجرا گردد و در آن اشتباه یا افراط و تفریطی راه یافته باشد، دروغ و تهمت بدامن پاک اسلام زده خواهد شد و بحکم فمن اظلم ممن افتری علی الله کذبا (۲) در دادگاه حق گنهکار خیانت پیشه محسوب گشته‌ایم. ایکاش چنین نعیشد و اسلام را بعنوان الگو و ایدآلی بالا سر انقلاب و در دیده و دل‌مان قرار داده اطاعت و بسوی آن حرکت میکردیم. (۳)

(۱) بقره / ۱۴۵ - اگر خواسته‌های آنها را بعد از آگهی و علمی که بتو رسیده است پیروی کنی تو نیز در زمره ستمکاران خواهی بود.

(۲) - چه کسی ظالمتر از آنکس که دروغی بر خدا بهیندد.

(۳) - بطور مثال، در نامگذاری دبیرستان کمال که زمان شاه در ۱۳۳۶ از

طرف جمعیت فرهنگی اخلاق در نارمک تاسیس شده بود جامعه تعلیمات اسلامی و بعضی از علاقمندان و سرمایه‌دهندگان اصرار داشتند که عنوان و انتسابش اسلام



اثر مشکلت‌ر و خطری که از انتساب هر نظام و حکومت به دین و اتصال آن بخدا، یعنی پیوند دادن حکومت نسبی دنیائی بشری بحاکمیت علی‌الاطلاق - الهی، حاصل میشود قدرت مطلقه غیرقابل بحث و انتقاد یافتن آمرین و اوامر و تصمیمات آنهاست که چون قهرا " خالی از وحی و عصمت هستند میتواند اشتباه و حتی ظلم و عصیان باشد و حاصلش سخت‌تر از صد استبداد و بدتر از عبادت طاغوت شود.

\*\*\*

از ابتدای پیروزی انقلاب اصطلاحی زبانزد خاص و عام شد و آن "تداوم انقلاب" بود. تداوم انقلاب تا آنجا که خسته نشدن از حرکت و تحقق هر چه زودتر و بهتر اهداف عالی انقلاب باشد خوب و لازم است ولی نه آنکه نفس انقلاب، آنهم بصورت اغتشاش و تخریب و انتقام، جای هدف را گرفته اشتغال و اشتیاق عمومی شود و مسئله سازندگی و زاینده‌گی در زمینه آنچیزی که اساس و هدف است فراموش گردد یا از بین برود. علاوه بر این باید "حسن تداوم انقلاب" نیز اضافه شود تا کنترلی در جهت خیر و کمال و احتراز از اشتباه و انحراف و برگشت بقیه‌را انجام گردد.

هر انقلاب وقتی سالم و مثمر ثمر خواهد شد که همراه حرکت خروشان سیل آسائی آن‌هم به آفریدن و سازندگی محصولات و ارزشهای جدید پرداخته شود و هم اصول و ارزشهای از دست رفته که منافات با اهداف انقلاب نداشته و یا پایه و جزئی از آن بوده است سر جای خود برگردانده و در حقیقت زنده یا بازیابی شود. مخصوصاً " برای آبرو و اعتبار انقلاب باید کاری کرد که معروف

باشد .. موسسین میگفتند اگر این مدرسه خوب و مطلوب از آب درآمد همه چون میدانند بانیان روی چه نیت اینجا را بوجود آورده‌اند تمام خدمات و خوبیهای آن پای اسلام و مسلمانان نوشته خواهد شد ولی اگر خدای نکرده اشتباه و افتضاحاتی رخ دهد آنرا از چشم ما و مسئولین و مقصرین خواهند دید نه از چشم اسلام.

به تخریب و حتی تخفیف ارزشهای سرمایه‌ای نگردد .  
 در هر حال مراقبت و مطالعه روی تحول انقلاب علاوه بر خدمت و ضرورت  
 فوق فایده علمی و تحقیقاتی آموزنده‌ای نیز دارد . چه کسی موظفتر و اولی‌تر  
 از خودمان به شناختن و تدوین روز بروز و شناسنامه انقلابمان با کشف و شیت  
 کلیه نقاط ضعف و قدرت آن می‌باشد؟ ضمناً " چون انقلاب ما اسلامی و مدعی  
 اجرای احکام و اصول آن است چه بسیار حقایق دین و آیات قرآن که در حین  
 عمل و اجرا مفهوم و واقعیت و منظور از آنها بر ایمان روشنتر از آنچه قبلاً "  
 بصورت نظری و سطحی برخورد داشتیم معلوم میشود و معرفت‌مان نسبت به اسلام  
 و قرآن ترقی محسوس خواهد کرد .

مناسفانه در جامعه انقلابی ما نکات فوق کمتر مورد توجه قرار گرفته بیشتر  
 به شعار و تبلیغ و احیاناً " به تکرار و تعلق پرداخته شده است ، ضمن آنکه برای  
 گرم نگاهداشتن بازار انقلاب و تحریک و حفظ احساسات مردم در تحمل  
 سختی‌های طولانی و استقبال از شهادت در جبهه‌ها و درگیریها ، خیلی کار انجام  
 گردیده و موفقیت‌های سرشار داشته‌اند . اما پروای چندان و جلوگیری از تخریب  
 و تحریفهای ناشی از فتنه‌نگیزی و شبه‌اندازی یا تاویل دیده نمیشد .



اینجانب بعد از پیروزی انقلاب بلا قرار گرفتن در محنت مستقیمتها و  
 مشکلات تنابند پیشی از هر کس درگیری تحریکی و نیاز و اهمیت نسبت به مسائل  
 و تحولاتی که فرداً صحبت شد بدانستم . پس از تکلیف‌گیری از نخست‌وزیری نیز  
 که بطور ضمنی و حاشیه‌ای همکاری و مشاوره را ادامه میدادم فرصت نظارتی  
 بر این نظارت و تحلیل و تشخیص یا تفکر انحرافات و زیاده‌ها پیدا میکنم .  
 استفاده‌های مجزا یا سطحی هم که بدلائل مختلف از مطلقیت دولت موقت  
 مخصوصاً " از طریق تفکری که فشرده‌تر متدین ترقی مستقلی از این مملکت از  
 سالها قبلاً تعقیب میکردند ، جعل می‌آمد و سالها " مناسبی برای نهادن و خلاصی  
 نظریات و جریاناتها و برای شناخت عوامل و عناصر ترویج در تحول انقلاب شد .  
 الحمدلله بازار سخنرانی و مقاله‌نویسی در انقلابمان خیلی گرم بوده و



از مشاغل عمده این روزگار شده است. از محافل و اجتماعات و محلات تهران و شهرستانها، دعوت میکردند اما میدان صحبت و قلم برای امثال بنده ماه‌بماه تنگتر میشد ولی تا آنجا و تا آنوقت که امکان و اجازه وجود داشت سعی میکردم برنامه بحث را بعوض کلیات و تبلیغات، از موضوعهای حساس مهم یا مبهم که موجب گرفتاریها یا مورد گفتگوهای اختلافی بود انتخاب کرده در حدود پذیرش و استقبال مستمعین یا خوانندگان عرضه نمایم.

در اواخر سال ۱۳۵۸ دو فقره سخنرانی در حسینیه<sup>۱</sup> ارشاد نمودم که تدوین شده<sup>۲</sup> تفصیلی آن در کتاب کوچکی با دو عنوان "بعثت و دولت" و "خیرات و خدمات در جمهوری اسلامی ایران" چاپ شده است، همراه با یک مقاله از مهندس عبدالعلی بازرگان (بعثت در اجتماع). مقالات متعددی نیز بمناسبت‌هایی در روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران و در روزنامه<sup>۳</sup> میزان (که ۱۹۷ شماره آن از ۵۹/۶/۱۶ تا ۶۰/۳/۱۷ درآمد) درج کردم تا آنکه مانند زمان شاه روز بروز محرومیت‌ها و مزاحمت‌ها بیشتر شده فقط توانستم سه جلسه سخنرانی در محیط محدود انجمن اسلامی مهندسين و نهضت آزادی بنمایم.

اینک بخواست خدا بچاپ مجدد و انتشار بعضی از آن مقالات و سخنرانیها میپردازم. این مقالات در عین متفرق و متنوع بودن تماما<sup>۴</sup> در زمینه "بینش اسلامی در مسائل اجتماعی" است و وجه اشتراکشان مقایسه و مقابله تحولات انقلابان در انطباق با الگوی الهی و سوق دادن بسوی اسلام میباشد. و همچنین احیا و بازیابی ارزشهای اعلی که لگدمال طغیان یا طاغوت‌های شیطان شده باشد. معیارمان در این کار همانطور که در آیه فان تنازعتم فی شیئی فردوه الی الله و الرسول (۱) آمده است محکمت کتاب خدا و مسلمات سنت رسول الله و ائمه اطهار علیهم الصلوه والسلام خواهد بود.

(۱) نساء ۶۲/۵۹- پس اگر در چیزی منازعه و اختلاف داشتید بخدا و

رسول ارجاع نمائید.

## فهرست مقالات چنین است:

- ۱- سیمای اسلام: سخنرانی عمومی در ماه رمضان ۱۳۵۹- مقاله میزان بتاريخ ۱۹/۹/۵۹ از صفحه ۱۵ تا صفحه ۴۴.
  - ۲- التقاط مقاله در روزنامه میزان مورخ ۶۰/۱/۹ از صفحه ۴۵ تا صفحه ۵۸
  - ۳- بیگانه پرستی: سخنرانی عید فطره ۱۳۶۰ در انجمن اسلامی مهندسين صفحه ۸۹ تا صفحه ۱۱۵.
  - ۴- دین و آزادی: سخنرانی عید فطره ۱۳۶۰ در سازمان جوانان نهضت آزادی ایران از صفحه ۵۹ تا صفحه ۸۸.
  - ۵- انقلاب و انقلابی: سخنرانی ۶۰/۶/۲۷ در نهضت آزادی ایران از صفحه ۱۱۷ تا صفحه ۱۶۰.
- دو مقاله دیگر هم در همین ردیف میتوانست اضافه شود که متأسفانه فرصت آن دست نداد. یکی "راههای ایمان" سخنرانی جشن مبعث سال ۱۳۶۰ انجمن اسلامی مهندسين در مسجد جواد و دیگر "انقلاب اسلامی و انقلاب مارکسیستی" سخنرانی در زنجان و مقاله میزان بتاريخ ۶۰/۱/۱۵
- بسیار بجا بود اگر میتوانستیم مقالات نویسندگان دیگر میزان درستون بینش اسلامی در مسائل اجتماعی را اضافه میکردیم و همچنین مطالعات و راهنماییهای صاحب نظران اهل دانش و خرد که در این زمینه عنایت و ارشاد کرده باشند.

\*\*\*

پاره‌ای مطالب و نکات مقالات این کتاب ممکن است مکرر ذکر شده باشد که پیشاپیش عذرخواهی مینماید، یا تکراری از کتابهای سابق باشد. بلا تشبیه و بلا ادعا، در قرآن نیز تکرار نسه زیاد دیده میشود و گفته‌اند پرگوئی بکلام خدا خوش است. انسان علت آنرا از خود میپرسد. مثلاً "داستان موسی، آدم و ابلیس، صفات واسامی خدا، جدال با اهل کتاب، انفاق، بهشت مومنین شایسته کار، گذشت و خدمت و غیر آن. ناراحتی یا تعجب ما از این تکرارها بواسطه عادت و انتظار ما از قرآن است که میخواهیم مثل کتابهای درسی

یا اجتماعی و رمان بوده هر مطلب فقط یکبار در سرجای خود آمده باشد. در جریان انقلاب و جمهوری اسلامی جواب اشکال خود را یافته متوجه شدم که وقتی قرار است نظریه یا عقیده‌ای که علاوه بر جنبه عقلی و ایمانی خلصت اجتماعی و اجرایی یا اداری هم دارد، در میان مردم پیاده شود و مردم از طبقات و نسل‌ها و استعداد‌های مختلف بوده گروهی پشت گروه دیگر برسند و بطور کلی انس و آمادگی قبلی و رشد کافی برای دریافت دقایق و دستورات مکتب نداشته باشند، ناچار پای تکرار و توضیح و تفصیل پیش می‌آید. قرآن کتابی است که چهار نوع وظیفه، تبلیغ یا ابلاغ، تعلیم، تربیت و تمرین را یکجا بعهده گرفته است بنابراین تکرار و تفصیل و تعریف‌هایی بر حسب اهمیت موضوعات و موارد استعمال در جامعه یا دوری و نزدیکی اذهان و عادات مردم و شخص پیغمبر نسبت به آنها لازم میشود:

و قال الذین کفروا لولا نزل علیه القرآن جمله واحده گذلک لکنثبت به

فوادک و رتلناه ترتیلا (۱)

انقلاب و جمهوری ما نیز که در سایه یک مکتب اجرا میشود با قید و اتصالی که به اسلام پیدا کرده است ( و افزودن وظائفی بیش از آنچه خدا از پیغمبران خود و پیغمبران از امت‌های خود میخواستند ) با مسائل و دقایق و خطراتی روبرو شده است که اگر بخواهیم موفق گردیم و براه باطل و خلاف و خیانت نیفتیم باید خیلی حوصله و همت برای قبول زحمات و خدمات داشته باشیم که در جنب آنها تحمل چند مطلب تکراری چیز مهمی نیست.

امیدوار است خوانندگان عزیز فرصت کافی وسعه صدر لازم برای توجه و تدبر در مختصر اوراق این کتاب را داشته هر جا به خلاف نظرشان برخوردند

(۱) فرقان ۴۲/۴۳- و کسانیکه کافر شده‌اند گفتند چرا قرآن در جمله واحد و یک کلام بر او نازل نشد (بلی) چنین است و تا دل (و افکار) تو را بوسیله آن (یا به آن) ثابت و استوار سازیم و قرآن را تدریجا و بنحو خاص بر تو خواندیم.

ارشاد فرمایند .

ربنا لاتزغ قلوبنا بعد اذهدیتنا وهب لنا من لدنک رحمه  
انک انت الوهاب

تهران - مهرماه ۱۳۶۰